

«من لم يشكِّر المخلوقَ لم يشكِّر الخالقَ»

چند سالی است که به بهانه شهادت معلم بزرگ، استاد شهید مرتضی مطهری رهنما، از قدردانی و تجلیل معلمان، این سنگربانان علم و دانش و رهروان راه انسان علیهم السلام، سخن به میان می‌آید؛ چه، در واقع، معلم انسان‌ساز و فرد‌پرداز است و تعظیم و تکریم وی، تعظیم و تکریم علم است و دانش. تجلیل از مقام معلم، تجلیل از باغبانی است که هر صبح، سبدی پر از گل صمیمت و محبت با خود به کلاس می‌برد و با انگشتان پرمه رخویش، آن‌ها را به شاخه‌های خشک قلب‌های نونهالان فردا پیوند می‌زند. سپاس‌گزاری از معلم، سپاس‌گزاری از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تأمین می‌کند، سپاس‌گزاری از طبیعت کسی است که سلامت جامعه را

تضمین می‌نماید، سپاس‌گزاری از انسان پاک باخته‌ای است که از جان مایه می‌گذارد و هرگز توقع نام و نان ندارد. گمنامان این مرز و بوم هر روز، از تنور داغ جان خویش هزاران نان داغ تنوری به سفره‌های گرسنه دل‌ها می‌بخشدند و به نونهالان و نوجوانان جامعه، حیاتی تازه می‌بخشنند. مگر نه این است که ما انسانیم و انسانیت

مقام معلم

با «محبت» معنا می‌شود و با قدرشناسی، خوبی‌ها قدر می‌یابد. خداگونگی مانیز زمانی معنا می‌دهد که شناس‌نامه عمل ما، رحمت و محبت و سپاس باشد. اگر ما گرمای محبت را در زندگی احساس نکنیم و در مقابل خوبیان و خوبی‌ها، قدردان نباشیم، به مثابه برگی هستیم که از شاخصار هستی جدا افتاده‌ایم. براستی، مگر نه این است که اگر ما خوبی‌ها را نبینیم و قدرشناس نباشیم، به همه خوبی‌ها و خوبیان ظلم کرده‌ایم؟ جامعه‌ای که قدردان خوبیان خویش نیست، به مرگ خویش و خوبی‌ها یش رضایت داده است؛ چرا که این نهایت ناجوان‌مردی است که در مقابل باگبانی که از همه هستی و جان خویش مایه گذاشته تا گل‌های زیبای دانایی پورش دهد و آن‌ها را به ما تقدیم نماید، حتی از شکوفه یک لبخند یا دسته‌گلی نیز دریغ نماییم.

بیایم بیش از پیش، قدرشناس خوبیان جامعه خویش، به یوّه معلمان، این معماران برج‌های بلند انسانیت و نگهبانان دل‌بندان خویش، باشیم و به مدد این ارج‌گزاری، معلمان جامعه خویش را دل‌گرم‌تر، راغب‌تر و علاقه‌مندتر سازیم. بی‌شک، جامعه‌ای که حرمت خوبیان خویش را پاس دارد و به سازندگان انکار پاک ارج نهند، آهنگ رشد و تعالی اش شتاب می‌گیرد و سلامت علمی جامعه خویش را تضمین می‌نماید.

